



گنجهای پنهان

میراث مکتوب از جمله گنجهای پنهان است، گنجهایی که با احیاء هریک شناخت بهتری را از گستره دانش پیشینیان برای ما فراهم می‌سازد، گستره علمی‌ای که هرکدام از علوم عقلی و نقلی، پایه‌گذار اختراعات و اکتشافات بعدی بوده است. چه بسیار اختراعات و کشفیاتی که در قرون جدید حاصل شده، ولی با احیاء متون کهن متوجه می‌شویم که در فلان قرن، فلان دانشمند ایرانی و یا اسلامی تعبیری از این رویداد علمی را شرح کرده، ولی به مرور ایام چون نسخه‌های معدودی از آثار ایشان بجا مانده و در دسترس همگان نبوده، قرعه فال را به نام دیگری زدند.

حال وظیفه ما در قبال این گنجهای پنهان چیست، احیاء آن یا انحصار آن؟ متأسفانه مشاهده می‌شود برخی مراکز نگهداری نسخ خطی، از روی عدم آگاهی دست به انحصار زده، دسترسی اهل تحقیق را به منابع ارزشمند کهن محدود ساخته‌اند، برخی مراکز سالها به بهانه چاپ این آثار، نسخه‌ای به دیگری نمی‌دهند. چه بسا مراکزی به لحاظ کسر بودجه، مجبور به گزینش آثار می‌شوند، برخی دیگر چنانچه نسخه‌ای از کتاب در آن کتابخانه باشد حاضر به چاپ آن اثر می‌شوند، ناشران خصوصی نیز به خاطر هزینه‌های سنگین چاپ این کتابها، گزینه‌ای تر عمل می‌کنند.

آیا وقت آن نرسیده است که فکری اساسی‌تر برای دسترسی محققان و مصححان و تسهیل کار ایشان جهت احیاء این گنجهای پنهان کرد؛ آیا می‌شود برای چاپ متون کهن فارغ از موضوع علمی، ادبی، تاریخی، فقهی و کلامی و ... چاره‌ای اندیشید - که در گذشته وجود داشته ولی به فراموشی سپرده شده است - و بتوان همگان را در احیاء میراث گذشته سهیم کرد؟ مشارکت مراکز و مؤسساتی که درباره متون کهن فعالیت می‌کنند - به صورت اتحادیه - شاید تسریعی در امر احیاء و چاپ این آثار باشد؛ و خیرین کتاب - به عنوان فرهنگبانان میراث مکتوب در زمان حاضر - شاید بهترین شیوه در حمایت از چاپ آثار کهن باشد. نظر شما چیست؟

سردبیر